



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مدیران و مسئولان قوه قضائیه - 7 تیر / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، خانواده‌های محترم شهدای هفتم تیر و مسئولان و مدیران قوه‌ی قضائیه خوش آمد عرض میکنیم. این مناسبت هم، مناسبت پر معنایی است. روز هفتم تیر بسیار روز مهم و تاریخ‌سازی است. از يك طرف انگیزه‌ی جنایت‌آمیز و دست‌مجرم دشمنان انقلاب اسلامی را برای ما مشخص میکند، که تا کجا حاضر بودند پیش بروند؛ و از يك طرف استحکام بنیانهای نظام جمهوری اسلامی را مشخص میکند، که تا چه حد در مقابل حوادث عجیب و بحرانها قادر به ایستادگی و مقاومت است.

آن کسانی که در هفتم تیر به شهادت رسیدند، جرمشان نخبگی و کارآمدی بود. سیاست دشمنان پلید و خبیث جمهوری اسلامی گرفتن این افراد نخبه‌از انقلاب است. چهره‌های معروفی مثل شهید بزرگوار و کم‌نظیر ما، مرحوم آیه‌الله بهشتی (رضوان الله علیه) و برخی از چهره‌های معروف دیگر را همه میشناسند؛ لکن من عرض بکنم ما که تقریباً یکایک آن مردان صالح و خدمتگزار را میشناختیم، میتوانیم عرض بکنیم و شهادت بدهیم که هر کدامشان يك پایه‌ی استوار برای آینده‌ی نظام و برای اقامه‌ی نظام جمهوری اسلامی در کشور بودند؛ شخصیت‌های برجسته، صالح، کارآمد، دارای استعدادهای قوی. و خواستند اینها را که هفتاد و دو نفر بودند، از جمهوری اسلامی بگیرند. اگر هفتصد نفر هم بودند، دست‌مجرم آن منافقان خبیث، باز هم این کار را میکرد؛ یعنی از کشتار، از نابود کردن، از خون ریختن، هیچ ابایی نداشتند؛ بلکه بتوانند نظام جمهوری اسلامی را به زانو در بیاورند.

در طول این سالها همیشه همین جور بوده است. امروز هم همین جور است. دشمنان نظام اسلامی از هیچ حرکتی - ضدانسانی، ضدانصاف، ضدعدل، صددرصد جنایت‌آمیز - برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ابا ندارند. اگر کاری انجام نمیگیرد، به خاطر این است که نمیتوانند و آن روی قضیه، استحکام نظام جمهوری اسلامی است. شوخی است؟! در يك ساعت حدود هفتاد نفر شخصیت زنده‌ی يك نظام را از او بگیرند - که چهره‌ی برجسته‌ای مثل شهید بهشتی در میان آنهاست؛ در بینشان وزیر کارآمد، نمایندگان کارآمد مجلس، فعالان کارآمد سیاسی حضور دارند - و نه فقط این ضربه تأثیری در هویت و استحکام و ایستادگی نظام نگذارد، بلکه انگیزه و ایمان مردم را بیشتر کند؛ استحکام نظام را بیشتر کند. اینها آن ابعاد بسیار مهم هفتم تیر است. و قوه‌ی قضائیه‌ی ما این روز را برای قله‌ی هفته‌ی نیروی قضائی و یادآوری اهمیت نیروی قضائی انتخاب کرده است. اینها با هم مرتبط است. قوه‌ی قضائیه یعنی آن دستگاهی که بخش عظیمی از مقاصد نظام جمهوری اسلامی بستگی به کارائی آن قوه و کارکرد آن دارد. مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی احقاق حق، مسئله‌ی قانونگرایی، ایستادگی در مقابل زورگو، متجاوز، سوءاستفاده‌چی، دادن احساس امنیت و آرامش و طمأنینه به مردم در زندگی، چیزهایی نیست که در نظام جمهوری اسلامی به چشم کم‌اهمیت بشود به آنها نگاه کرد. این وظائفی است که متوجه به قوه‌ی قضائیه است؛ قوه‌ی قضائیه متکفل و متعهد این کارهاست.

دادن امنیت به مردم يك پایه‌ی مهمش روی دوش قوه‌ی قضائیه است. چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اخلاقی، چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاههای گوناگون اجرائی هرکدام به نحوی در این کارها با قوه‌ی قضائیه شریکند - مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاههای انتظامی با قوه‌ی قضائیه شریکند و باید استقرار امنیت کنند - اما نقش قوه‌ی قضائیه در اینجا چیست؟ این است که آن کسی که متجاوز است، از سوی قوه‌ی قضائیه آنچنان با او برخورد شود که مایه‌ی عبرت شود. یا درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در



دستگاه‌های اجرائی اند - وزارتخانه های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی - و اینها مسئولند ؛ اما نقش قوه ی قضائیه این است که اگر در مجموعه ی این عملکردها و تعامل این دستگاهها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوه ی قضائیه آنچنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد میکشاند. این، خود يك عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است.

بعضی خیال میکنند - یا این جور وانمود میکنند که خیال کرده اند - که برخورد با مفاصد اقتصادی، محل امنیت اقتصادی است. این عکس قضیه است ؛ این درست نقطه ی مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد. غیرمفسد کیست؟ اکثریت مردم. مفسد اقتصادی تعداد معدودی هستند ؛ سوءاستفاده چیه. با اینها برخورد سخت بشود تا اکثر مردم، اکثر فعالان صحنه ی اجتماع که در امر اقتصادی کار میکنند، احساس کنند دارای امنیتند و راه صحیح آن راهی است که آنها پیش گرفته اند.

امنیت اخلاقی در جامعه، امنیت فرهنگی و امنیت حیثیتی هم همین طور است. در جامعه ی اسلامی، حیثیت افراد نباید مورد تلاعب دست افرادی قرار بگیرد که هیچ احساس مسئولیتی نمیکند. دستگاهها باید برخورد کنند. آبروی افراد را بردن، اتهام به افراد وارد کردن، اشخاص را بدون دلیل - از مسئول و غیرمسئول - زیر سؤال بردن، درباره ی آنها شایعه ایجاد کردن، چیزی است بر خلاف احکام اسلامی ؛ بر خلاف شرع اسلامی است ؛ بر خلاف رویه ی اسلامی است. فرض بفرمائید به يك نفر تهمت سوءاستفاده ی مالی بزنند، که تا او بیاید ثابت بکند چنین چیزی نبوده، زمان زیادی صرف خواهد شد. این چیزها ؛ امنیت حیثیتی در جامعه ی اسلامی، امنیت آبرویی، مسأله ی مهمی است و باید به آن توجه بشود. قوه ی قضائیه در این زمینه و در استقرار این امنیت نقش دارد.

در همه جا نقش قوه ی قضائیه این است که با متخلف، برابر قانون برخورد کند. کسی که تخلف کرد، بر حسب قانون، متخلف سر جای خود نشانده شود، که اینها همه در ساخت نظام اسلامی و در زندگی صحیح و در رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی نقشهای بسیار مهمی دارند.

من باید از مجموعه ی قوه، فعالان قوه، بخصوص رئیس محترم قوه ی قضائیه - که بحمدالله فقیه، عالم، آشنا و بصیر هستند - به خاطر تلاشهایی که انجام گرفته است، تشکر کنم. همان طور که در گزارش گفتند - به من هم گزارش داده شده است - در بخشهای مختلف، فعالیتهای وسیعی صورت گرفته است. من آن چیزی را که به عنوان توقع عرض میکنم - هم به جناب ایشان، هم به مسئولان قوه ی قضائیه - این است که نگاه کنید به خروجی قوه. ممکن است ما کار زیادی هم انجام بدهیم، اما محصول زیادی به دست نیاید. این معنایش چیست؟ معنایش این است که این کار ما، با اینکه به لحاظ کمیت زیاد است، اما به لحاظ کمیت نسبی کم است ؛ بیشتر باید کار کرد. اگر کسی بگوید که من در هفته صد ساعت کار میکنم، این صد ساعت، نسبت به يك نفر خیلی زیاد است ؛ اما نسبت به بعضی از کارها و بعضی از افراد، صد ساعت، زمان کمی است. باید کمیت نسبی را نگاه کرد. راهش این است که به خروجیها نگاه کنید. ببینید آنچه انجام گرفته، مطلبی را که من در سالهای گذشته یکی دو مرتبه گفته ام، آن را تأمین کرده یا نه. و آن، این است که قوه ی قضائیه از نظر مردم به عنوان يك ملجأ و پناه، احساس بشود و دیده بشود ؛ دل مردم این جوری گواهی بدهد. به هر کس ظلم شد، هر کس احساس کرد به او ظلم شده، به خودش، در دلش، به دیگران، بگوید میروم قوه ی قضائیه و مشکلم را حل میکنم ؛ يك چنین نگاه امیدوارانه ای به قوه ی قضائیه باید در کل جامعه شکل بگیرد. این اگر شده باشد، شما به مقصودتان رسیده اید ؛ اگر نشده باشد، پس باید هنوز کار کنید. به خروجیها نگاه کنید. باید کاری کنید که قوه ی قضائیه بشود ملجأ و پناه برای همه ؛ از عالی و دانی.

شکی نیست که يك عده ای از قوه ی قضائیه همیشه ناراضی خواهند بود. «و ان یکن لهم الحق یأتوا الیه مذعنین». قرآن میگویی اگر در قضاوتی که پیش پیغمبر میکنند، حق به طرف آنها داده بشود، قبول میکنند ؛ اگر حق به طرف



مقابل داده بشود، نه؛ اعتراض میکنند! زیر بار نمیروند! همیشه همین جور است. لکن در کل جامعه، آن قوه‌ی قضائیه‌ی ای که قاطع، به قانون و وظائف خود عمل میکند و ملاحظه‌ی کسی را نمیکند و با متخلف به طور جدی برخورد میکند - مخصوصاً اگر متخلف در داخل خود قوه باشد، بشدت با آن برخورد میکند - با یک چنین قوه‌ی قضائیه‌ی ای، مردم دلشان و پشتشان گرم میشود. این را باید حاصل کرد؛ این را باید به دست آورد. البته این احتیاج دارد به تدابیر گوناگون؛ همین چیزهایی که در این گزارش اشاره کردند؛ تقویت همینها و پیشبرد همینها. همین فناوری نوین که گفته شد، همه جا مستقر بشود؛ همه‌ی کارها مشخص بشود؛ دسترسی به اطلاعات برای مسئولان بالای قوه‌ی قضائیه در هر لحظه‌ی ای مهیا باشد. نظارت هم باشد، که من بر روی نظارت هم در دیدارهای قبلی تکیه کرده‌ام؛ نظارت بر کارکرد قوه‌ی قضائیه. از همه بالاتر، برنامه‌ی ای و نظام مند عمل شدن در قوه‌ی قضائیه است، که مدیریتها نظام مند و برنامه‌ی ای باشد.

خوشبختانه از اول این دوره‌ی پنج ساله، کارهای خوبی انجام گرفته. من اصرار دارم که در این دو سالی که از این دوره‌ی پنج ساله‌ی کنونی باقی است، این کارهای با شدت ادامه پیدا کند. مبدا طوری باشد که حرکت ما در اول دوره، با حرکتمان در آخر دوره تفاوت کند. من به دولتها هم همیشه این سفارش را میکنم. قوه‌ی قضائیه باید مثل یک موجود زنده به طور دائم به خود پردازد و پیش برود و حرکت بکند. زمانهای خوبی، فرصتهای خوبی در اختیار شماست. این هماهنگی بین قوای سه گانه، نعمت بزرگی است؛ آسان هم به دست نیامد. بعضیها دوست داشتند - شاید حالا هم دوست داشته باشند - که دائم بین قوای مملکت درگیری و ستیزه و چالش باشد. امروز بحمدالله انسجام هست؛ همراهی هست. البته این مانع از این نمیشود که قوا هر کدام به وظائف خودشان عمل کنند. قوه‌ی قضائیه در جنب قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه به وظائف خودش قاطع عمل بکند. قوه‌ی مقننه در جنب قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مجریه به وظائف خودش قاطع عمل کند. همه به وظائف خودشان عمل کنند؛ اما با هم همدل باشند و همکاری کنند. این، فرصت بسیار بزرگی است. از این فرصت مسئولان محترم قوه، مدیران بارز قوه‌ی قضائیه، حداکثر استفاده را ان شاءالله بکنند، تا ما بتوانیم این نمونه‌ی قضای اسلامی - نه فقط دادگاه اسلامی را، بلکه مجموعه‌ی دستگاه قضای اسلامی را که شامل دادگاهها و دادرها و سازمانهای وابسته و حبس و غیره است، بر طبق نظر اسلام که فعلاً در قانون اساسی ما و قوانین ما متبلور و متجسم است - را ان شاءالله شسته، رفته و ملموس، در زندگی مردم قرار بدهیم. دعا میکنیم خداوند متعال زحمات شما را مشکور و مأجور بدارد و بهترین تحیات را به ارواح مطهر شهدای عزیزمان، بخصوص شهدای هفتم تیر، بخصوص شهید عزیز، شهید بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) که پایه گذار قضا و دادگستری جدید بود، نازل بفرماید و ان شاءالله قلب مقدس ولی عصر را از همه‌ی ما راضی و خشنود گرداند و ما را مشمول دعای خیر آن بزرگوار قرار بدهد. والسلام علیکم ورحمةالله